

# نداء خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و نهم

سال اول

دوشنبه ۱۶ سرطان ۱۳۳۰

چهارم در خلق بیست

ما مرام نامه ذیل را بنام مرامنامه (حزب خلق) مردم را دعوت عام داده و بیاری خدای توانا قدمی برای نجات و آزادی مردم دردها، عدیده خود می برداریم :

بسم الله الرحمن الرحیم

مرامنامه حزب خلق

۱ - حزب خلق یک حزب ملی است که بر اساسات معلومه دیموکراسی بنا یافته است .

۲ - تفهیم و تبلیغ دین مبین اسلام را بخلق و اصلاح اعمال را با اساس اسلام یگانه عامل کامیابی و پیشرفت خود میداند .

۳ - چون حزب خلق یک حزب دیموکراسی محقق است فلذا برای تامین نمایه حقیقی دیموکراسی یعنی حکومت خلق توسط خلق و برای خلق مبارزه میکند .

۴ - حزب خلق اساس حکومت را متکی بر اصول دیموکراسی مستند بر یک شورای اساسی و آزاد و محترم و انتخابات آزاد - تامین تعادل اساسی در بین قوای ثلاثه دانسته و برای نیل باین ارزوی مقدس و مشروع سعی میکند .

۵ - تامین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم - رفع مآلیم و از خلق - تامین یک حیات اجتماعی مأمون و مصون - نشر معارف عمومی - تامین یک حیات صحیح اساسی - تامین بیان و نشرات - تولید عدالت و ارتقاء و حقوق سیاسی از وظایف اساسی و اولیه حزب است .

۶ - حزب خلق تمام وظایف اجتماعی خویش را که در ماده پنج مذکور است با نشر قوانین اساسی دیموکراسی و ناشی از افکار عمومی خلق تامین کرده و لذا نشر - ایزاد - تمدیل - اصلاح قوانین و تامین عدالت اجتماعی و مساوات قانونی را از وظایف مهمه خود می شمارد .

چهارم در خلق مخصوصا در زمان بحران در یک مملکت فقط و فقط جمع شدن مردم بدور یک مفکوره سیاسی و سنجیدن راه علاج آلام اجتماعی میباشد و بس - اگر حکومتی با موجودیت بحرانهای سیاسی به تشکیل احزاب قانونی مطابق قوانین دیموکراسی اجازه نمیدهد - گویا بداره ماری ها و آتشها رسماً جواز میدهد - امروز ما دردها و آلام زیاد اجتماعی داریم - هر دسته مردم شکایاتی دارند - هر کس عوامل سیاه روزی و بد بختی خلق را به طبقه و علتی منسوب میکند نظم و نسق زندگی برهم خورده - آرامش ضمیر و طمانینت وجود نداشته - ترخمه بلند رفته - احتیاجات زندگی مردم بیجهت و بی تناسب عایدات بالا رفته و میرود - در - ساحه اخلاقی و رسوم و آداب اجتماعی ضعف و انحطاط موجود بوده - امور اداری تا کم و قناعت بحیات و شرایط موجوده زندگی معدوم و خلاصه اساسات زندگی ما در هر رشته به تزلزل دچار شده ، اشخاص استفاده جو و منفعت پرست موقع را غنیمت شمرده و به تاخت و تازها میبر دازند - گویا یک بحران بزرگ اجتماعی سر تا سر مملکت را استیلا نموده و چاره جدی ، انی و جذری بکار دارد - این امر داستان تازه نیست - همه ملل گیتی این مرحله زندگی را پیموده و از خلق - تامین یک حیات اجتماعی مأمون و مصون - نشر معارف عمومی - تامین یک حیات صحیح اساسی - تامین بیان و نشرات - تولید عدالت و ارتقاء و حقوق سیاسی از وظایف اساسی و اولیه حزب است .

گرفت - قانونا در انتخابات - حکومت معقولی با اساس مرامنامه خویش تشکیل و قوانین درستی تدوین و برای بد بختیها ، سرگردانیهای خویش درمانی یافته و بتفرقه از افکار عمومی خلق تامین کرده و لذا نشر - ایزاد - تمدیل - سرگردانی - تذبذب و ناکامیهای اداری و حیاتی خود و اصلاح قوانین و تامین عدالت اجتماعی و مساوات قانونی خاتمه بخشیده و دست مشغولت جویان و آشوب طلبان را از دامان یک جامعه کوتاه میسازند - اینک بر روی همین اساس

۷ - فداکاری در راه حفظ تمامیت خاک و ناموس و وطن

فرض اولیه حزب خلق بوده و با تمام عواملی که این هدف مقدس را تهدید کند مبارزه و جان نثاری را فرض خود می شمارد .

۸ - حزب خلق وحدت ملی را اساس فرایض خود قرار داده و لذا تمام افرادی را که در حدود سیاسی افغانستان زیست مینمایند بلا تفریق نژاد - زبان و رنگ و پوست همه را یک وجود واحد شناخته و در مقابل قانون دارای حقوق مساوی دانسته و هرگونه امتیازخواهی و تفوق جمعی را منافی عدالت اجتماعی و اساسات دیموکراسی میدانند .

۹ - حزب خلق کار را یگانه عامل ثمرات دانسته بیکاری را تنگ و عار شمرده و لذا برای تولید دستگا های کار در سر تا سر مملکت - رهنمائی خلق بکار توسط تعلیم و تربیه عصری - تامین عدالت اجتماعی در کار - تامین حقوق کارگر - رفع اسارت و استعمار در ساحه کار - تامین حقوق کارگر در زمان کار و بیکاری و تضمینات اجتماعی در کار را نه سطح قانون فرض خود دانسته و - پیشرفت در کار و اخذ مقام را مربوط به پیچنوع امتیاز شخصیت و قومیت ندانسته و بلکه فقط و فقط مهارت و - فداکاری و استعداد در کار را اساس پیشرفت و احراز مقامات و مناصب قبول میکند .

۱۰ - حزب خلق برخلاف تامین منافع فردی - دفاع از حقوق فرد و آزادی فردی نبوده ولی کمائی را که بنام دفاع از حقوق و آزادی فردی بصورت غیر مشروع فعالیت نموده و سعادت فرد و جمعیت را تهدید مینمایند منفعت جو شناخته و با اساس قناتین دیموکراسی بانها مبارزه معامله مینماید .

۱۱ - کما نیکه باعمال رفتارنا مشروع کسب جاه و مال کرده و ان را سیله تحکم بر خلق سازد و عمدا برخلاف مصالح عمومی کار کند - خائن ملی شناخته شده و تامین عدالت اجتماعی و استرداد حق را درین موارد - حزب خلق فرض اساسی خود می شناسد .

۱۲ - حزب خلق فا داری خویش را با اساسات دیموکراسی و مشروطیت اسلامی از فرایض خود دانسته و لذا تامین - تعادل حقیقی را در بین قوای ثلاثه با تقنین - روشن ساختن حدود حقوقی را در اجتماع و تشریح وظایف

دولت و ملت را و جبهه خود می شمارد .

۱۳ - اصلاح و تعدیل امور اجتماعی - تامین عدالت اجتماعی - در اخذ هر گونه مالیات محصولات و - فعالیت ای اجتماعی - تامین عدالت در تطبیق قوانین - عدم قائل شدن به بیگانه نه امتیازات در امور اجتماعی - مالیات و تکالیف عامه اجتماعی اصلاح جریان امور بنفع خلق از وجایب اولیه حزب است .

۱۴ - آزادی در فعالیت های اجتماعی اساس فرض اولیه حزب بوده و لذا آزادی در تجارت و کسب - مخنیف و اتخاذ مسلک را در هر رشته - اساس دیموکراسی قبول نموده و مبارزه با هرگونه انحصارات شخصی و فردی که منافع خلق را تهدید میکند فرض اولیه حزب است .

۱۵ - حقنا روابط حسنه با همسایگان ( تا جاییکه ممکن ) - حقوق و آزادی و ناموس ملی نباشد ) اطاعت به قوانین عامه بین المللی - تامین و اساسات اولیه حقوق بشر ( تا جاییکه با قوانین دین مبین اسلام منافق نباشد ) و همکاری در راه صلح و سلم عمومی را حزب خلق از فرایض اولیه خود شمرده و از هرگونه همکاری درین راه دریغ نخواهد نمود .

۱۶ - تامین آزادی و حقوق ایمنی شریمنی مصونیت حیات - مسکن - مرادات - آزادی فکر و بیان و نشرات و آزادی در فعالیت های اجتماعی را اصل حقیقی و قطاری حساب نموده و لذا هرگونه تجاوز را باین حقوق قطاری ایمنی بشر - استرداد و تحاوز شمرده و مبارزه با هرگونه استرداد رای و عطا را فرض اولیه و اساس فعالیت حزب حساب میکند .

۱۷ - تشکیلات حزب - وظایف شعبات مرکزی و ولایاتی - نشر - اصلاح و تعدیل قانون اساسی تشکیلات اساسی دولت - قانون انتخابات - قانون تفریق وظایف مامورین - قانون کار و کارگر و عملی ساختن آنها و تامین عدالت اجتماعی در هر ساحه توسط

قانون از وظایف اساسی حزب خلق بوده و با اساس جزئیات معلومه دیموکراسی تامین میشود .

۱۸ - دخول در زمره اراکین حزب با اسبابندی باخلاق جزئی یعنی فداکاری در راه تامین وظایف

رشدات، ثبات اخلاقی در راه نشر و تفهیم اساسات اسلامی و  
 و حزبی و دموکراسی و تامین حقوق عامه حاصل شده و دیگر  
 نوع امتیاز و فرقی را حزب مخالف عدالت اجتماعی حساب میکند  
 ۱۹ - قانون و وظایف داخلی حزب - شرایط قبول در  
 اراکین حزب - اختطار و تهدید و حتی اخراج از حزب -  
 تعیین رئیس و اراکین حزب و تشکیلات آن با استشاره مجلس  
 عمومی حزب بعمل آمده، اطاعت اساسات آن و وظیفه هر فرد  
 است .

۲۰ - هر فردیکه دارای تابعیت افغانی بوده باشد به  
 شرطیکه در سوابق آن محل اساسات حقوق عامه میزنی نباشد  
 بلا امتیاز داخل حزب شده میتواند -

۲۱ - سن افراد یکه شامل حزب میشوند باید از -  
 هجده کم نباشد .

۲۲ - اشخاصیکه داخل حزب خلق میشوند بایست -  
 ماهوار مبلغ ده افغانی جهت تقویه و پیشبرد امور حزبی  
 تادیه نماید - کذا خرید یک سهم از اسهام صحنه \* خلق  
 نیز حتمی است .

تبصره - اشخاص فقیر و نادار به صوابدید هیئت منتخبه  
 مستثنی خواهند بود .

۲۳ - اصلاح - تمذیل - حذف و یا ایضاد مواد  
 به مرام نامه هذا به اگرت ارای مجلس عمومی حزب مربوط است  
 ( ملی همیچ ماده که منافی حقوق و ازادی عامه و یا وحدت  
 ملی و یا خلاف دینیات اسلام و تهدید بحدود سیاسی -  
 افغانستان باشد طرح و قبول شده نمیتواند ) .

۲۴ - افرادیکه در حزب خلق داخل میشوند بکلمات  
 ذیل قسم یاد میکنند :

من بنام خدای یاک سوگند یاد میکنم که بتمام مواد  
 اساسنامه حزب خلق صادق بوده و برای پیشبرد امور حزبی  
 از هیچ گه نه فداکاری دریغ ننمایم و در صورت خروج از حزب  
 نیز اسرار حزب را محفوظ نگاهدادم - والله - بالله - طلا .  
 کسانیکه از روی دخول در حزب خلق را داشته باشند هر روز  
 برای مراسم تحلیف در اداره جریده \* ندای خلق در جاده \*  
 میوند از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر مراجعه فرمایند .

ندیسنده شمالی فرمان

روز یازده سرطان

مردان بزرگ را چگونه با دانش میدهند

در یکی از روزهای بزرگ تاریخی ملت جوان و نوع پرور افغان  
 نسبت احیای حق یا مال شده دور هم گرد آمدند تا مشکل  
 افکار و آرای خود ها را بمیشگاه قانون و عدالت کشور تقدیم  
 نمایند - در آن روزها اوضاع کلیه کشور یکی درهم و پاشیده  
 حال بیقرار ملت قابل ترحم - اجحاف و تعدی حکام از حد  
 فزون . . و هر یک بتوبه خود ها در تزیید و شتکارنهای مخالف  
 قانون سعی و جدیت تحویل میدادند . مختصر در آن روز ورود  
 مثل افکار و آرای ملت در تماشاخانه زندگی از همان را متوجه  
 امید و آرزهای بزرگ و شگفت انگیزی در اثبه نزدیک بمنمود چنده  
 مخصوصا تبارز دو شخصیت بزرگ از بین آنها و نشر انعکاس  
 ناله های ملت از پشت دیوار های مرتفع شورا توسط شان به  
 خارج در یک موقع باریک خاطره را مشوه ایشار و خودگذریهای  
 لیدر های مبتکر قرن ۱۷ اروپا مینماید - مدتی ازان تاریخ  
 بگذشت نتیجه فعالیت و پشت کار و کلاهی میرز و فداکار توام  
 با پرو پا گند های نا درست اجانب یکدم بهیچ منحرف شد اما  
 ازان جائیکه مشعل های فروزان حقیقت بنشان زوایای تاریخ  
 جامعه راروشنائی می بخشید به پیرامون از خود لعمه های آتش  
 باشکال مختلف تیت و پراکنده میسازد . . و به بیمانه انتشارها  
 تولید میکند - تا رفته رفته خود بخود خاموش شده و از بین  
 برود . همچنانیکه دیدیم از آتش افروزی دو مشعل فروزان حقیقت  
 دو آتش باره \* خیره کننده بشکل دو نامه بوجود آمد ( وطن )  
 ( ندای خلق ) که بدون تردید وصول چنین وسیله کاری سهل  
 و آسانی نیوده . . اکنون دیده میشود مصوبات شورابه  
 صورت مبرهن و واضح توسط همین . و نشریه که مه لود آتش  
 افروزی همان باره آتش است در سراسر کشور بخش و بد سترس  
 عامه گذاشته شد . بکروز شنیده شد که عده بی سروما به تحریک  
 دسته خیره سروبی باک نسبت خاموش نمودن یکی ازان دو  
 مشعل قامت بینیرتی خم کرده اند . ما نمیگوئیم که چرا ایشان  
 داشتند مرتکب چنین عملی میشدند . . و یاز هم نمیگوئیم کنده  
 و گیل شورا آقای دکتور محمودی مشعلد از راه حقیقت چگونه از  
 خطر مرگ جان سلامت برد . . ما نمیگوئیم چرا مبارز خلق

عرض شکران  
 از احساسات پاک همه پانان گرامی خود که در قضیه سو \*  
 قضیه سیات شده اظهار از بنده تفقد فرموده اند خیلی  
 ممنون و سپاسگزارم - این احساسات زنده و هموطنان -  
 عزیز مصائب زندگی را بر من سهل ساخته و موفقیت شانرا تمنای میکنم  
 محمودی

در بنام داد این روز شوم و وحشت انگیز دیدگان را بمیلاد دشمنان  
 ازادی حقیقت در قصره نسبت . . بدلا که ما بزرگوئیم  
 محمودی و اکیل شو را ازان روز بکند  
 آمد کارش . تحمل سختیها بود . . مبارز خلق

خواندنیهای خلق

يك نكته !

دل درد مند در تکانهای حوادث ... شکیباست ...  
 جو خلق رنجبر که مبارزه و زحمت را لذت عمر کو تا فهمیده  
 اند... اتفاقا بر خورد ناگوارها بر زبان ما ملامت است .  
 گل و برگ زیبای بوستان در تهدید باد و طوفان مدتی  
 در شاخسار چسبیده ... پرندگان گل دوست بدوش در  
 پرواز و پیوسته شور و شگفت میبرد ازند ... جبر گلچین  
 و سیلی مصرع - بارها عروس بوستان را پریشان تر از  
 خاطر مهجوران ساخته . اما بر این محبت ... هفت ز  
 ناله ها و سرو د های شوریدگان باغ از لای برگ و شاخ  
 بگوش میرسد . آه شرربار عده بیچاره ندای خلق را غم  
 ندیده ... بینوائی و فقر و برانه ها ... رسوائی انسانی  
 که به شب نشینی زندانیان حسرت میبرد ... کلبه های  
 بیدوا و غذا ... ضجه مظلوم و توجه بیمار ... شاید به  
 التفات هم نوعان محو گردد ... اما نوع دوستی کسه  
 التفات کند کدام و عزیزی که پشتود کجا است ؟  
 مردی بی اصلاح احوال متواری مردم با نیت پاک و عزم  
 مردانه از خانه پدر و حیاط بینوائی بدر شده و اطمینان  
 دارد که این درد ها بدرمان میرسد و پراگندگیها را  
 جمعیتی است . میگوید از روی من تلخین حقوق هم  
 و طنان است و اصلاح حال خلق ... شما هر چه  
 میگوئید !!!

بقیه ۱۱ سرطان

با بیمودن راههای پر نشیب و حضور یابی بانواع صحنه  
 های خونین و رقت اور اثبات شده از درد و الم در سینه  
 غیر تمند اثبات نمود و اینکه دیدیم تنها و تنها معرفت این  
 همه دشمنی هارنج و تحب فراران بوده که در هر لحظه  
 اسلحه دشمن او را تهدید بکشته شدن مینمود ... آری  
 ما نیایست بگویم محمودی چرا کشته نشد ... ازینکه میگویند  
 در مملکت ما بطور عموم عکس ملل را قیه جهان عواصل  
 جاریه وجود دارد که اکثر اشخاص میگه مورد سوء قصد  
 واقع میشوند باین جهت که در مملکت عمل خیانت بوده ...  
 چون درین آران صاحب امتیاز جریده خلق مورد سوء قصد  
 مخالفین واقع شد ... پس او نیز نظار بفحوای نظریه فوق  
 متهم بجرم غیر قابل جبران بوده ... تا صف درین حیاست  
 که در مملکت ما عکس قاعده عممی مثل عوامل تطبیق و تثبیت  
 می یابد چنانچه به شخص خاص و پیرو ما دانش نگوید  
 میدهند و از طرفی دست خود را بچین و ن مرد درست  
 کار و نوع پرورترین میکنند این است معنای واقعی تعادل  
 بین دو افراط و تقریب . اینجا است که توده حساس و  
 غیرتمند و وظیفه خود را تشخیص داده و به پشتیبانی این  
 مبارز راه حقیقت تحمل بس سختیهای فراوان و جان فرسا  
 را بر خود هموار ساخته از بذل هیچگونه ایثار و خودگذری  
 دریغ نفرماید - زیرا ارزش حیات این مرد ما شهامت و  
 بر دل بالا تر از آن است که معاندین تصور میکنند . نکته

اگر این صفات بفریبکاری و دسیسه خواستند این وکیل  
 خلق و مرد غریب دوست را محو نمایند اما خداوند نخواست  
 . . . آنکه در دلها راه دارد . . . البته دلها با و مشغول  
 و عالم دل هم خدائی دارد . . . حذر از شورش دلها  
 که فتنه هائی بدید آورد . . . پس شیرازه دلهای که بسا  
 صمیمیت در رشته یگانگی و محبت بسته شده باشد . . .  
 بیمان کو دکان نیست . . . که بود و نبود ؟؟ . . . از هم  
 بگسلند .

روزی ۱۱ سرطان کدامیک از دستگاههای قانونی خواهد  
 بود ؟ آیا از وقوع چنین سانحه ها کدامیک میداند  
 ذیصلاحیت جلوگیری میکند - اینهمه مطالبی است که عده  
 غفیری از مردم در بجموعه ان صحبت میکنند . با کمال بی  
 صبری انتظار اقدامات جدی مقام بالا را در جستجوی محرك  
 واقعی قضیه میبرند .

رسم طبیعی است که از پی طلیمه بامداد آفتاب تابناک  
 گیتی را روشنتر میسازد . . . هر چند صبح و بامداد و -  
 آفتاب گذشتنی است ... اما ؟؟

خبر های اوانس ششدرک : از خارج - دلخک را خواب  
 برده از اطلاعات خارجه معذرت میخواهد .  
 در داخل - مراسم عید سعید فطر در ظرف سه و نیم روز  
 برگزار شد . . . دوسیه شاعلی محمد عمر خان پیلوت  
 تکمیل نشد . باری اگر تیرته نمیگردند مجازاتش فیصله شود .

یاد در رفت -  
 ( افراطی معتدل )  
 قرار تجددی آندی محمودی که همان ۱۱ سرطان است  
 در میاضی توفیق بدرد زین سقوا توفیق است